

ژئوپلیتیک و هویت اوراسیایی: ایران و سازمان همکاری شانگهای

مسعود همیانی^۱

سید محمد کاظم سجادیپور^۲

چکیده

به دنبال موافقت اعضای بنیان‌گذار شانگهای در بیست و یکمین اجلاس سران با عضویت کامل ایران در این سازمان، مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال کلیدی زیر است: عضویت کامل ایران در این سازمان شانگهای در میانه تغییرات ژئوپلیتیکی در اوراسیا به چه معناست و تهران چه نقشی می‌تواند در تکامل سازمان جهت ادغام اوراسیا ایجاد کند؟ بر اساس نظریه سازه‌انگاری و ساخت اجتماعی مناطق، یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش کیفی و افق بینادهنی نشان می‌دهد که در یک نگاه بلندمدت، سازمان شانگهای یک سازوکار مهم برای دستیابی به برخی اهداف سیاست خارجی به‌ویژه سیاست "نگاه به شرق" در اختیار تهران قرار می‌دهد. عضویت کامل همچنین مشارکت فعال تهران در شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای را تسهیل می‌کند. تهران هم به‌نوبه خود می‌تواند نقش مهمی در تکوین و تکامل سازمان شانگهای ایفا کند زیرا منافع منطقه‌ای ایران ناشی از اهداف کشور برای ایجاد یک جامعه اوراسیایی و جلوگیری از تبدیل شدن منطقه به کانون تروریسم و افراط‌گرایی؛ استفاده از ظرفیت‌های ژئواکونومیک کشور برای ایجاد پل ارتباطی بین آسیا و اروپا و همچنین به‌عنوان قطب راه‌های تجاری-مواصلاتی در منطقه، با اهداف سازمان شانگهای منطبق می‌باشد.

▪ **واژگان کلیدی:** سازمان همکاری شانگهای، سازه‌انگاری، هویت اوراسیایی، چندجانبه‌گرایی، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

^۱. دانش آموخته کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. masoudhamiani@gmail.com

^۲. استاد تمام دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. smksajjad@yahoo.com

مقدمه

پس از جنگ سرد، ادغام منطقه‌ای بارزترین پدیده دهه آخر قرن بیستم بوده است. قاره آسیا نیز از این روند عقب نماند و چندین سازمان منطقه‌ای ایجاد نمود. سازمان همکاری شانگهای یک نمونه از سازمان‌های غیر غربی است که بیشترین توجهات ناظران مسائل بین‌المللی را به خود جلب کرده است. سوابق این سازمان به «شانگهای پنج»^۱ برمی‌گردد که در زمان خود نیز به منظور بحث و بررسی و پرداختن به مسائل مرزی کشورهای عضو پدید آمد، اما با سناریوی در حال تغییر در سطح بین‌المللی، برنامه خود را به‌گونه‌ای توسعه داده است که شامل آن دسته از امور فرا منطقه‌ای نیز می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مانع پیشرفت و توسعه منطقه می‌شوند. انتظار می‌رود که با توجه به ظرفیت‌های منطقه، سازمان همکاری شانگهای ظهور یک جامعه اوراسیایی را تسهیل نماید؛ زیرا کشورهای اعضای اوراسیا که بیش از ۶۰ درصد از قلمرو اوراسیا و بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، تقریباً یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کنند (Hillman, 2017:1). در حال حاضر، با وجود دستور کار متفاوت اعضا، یک روحیه همکاری در سازمان برای ایجاد هم‌افزایی منطقه‌ای در پرداختن به چالش‌های امنیتی مشترک و ایجاد پیوندهای بلندمدت اقتصادی و انرژی شروع شده است اما هنوز کار در حال پیشرفت می‌باشد.

در مورد ایران، یک چالش کلیدی پیش رو، چگونگی سازگاری با واقعیت ژئوپلیتیکی در حال ظهور اوراسیا خواهد بود. به ویژه در زمانی که تغییر رقابت‌های قدرت‌های بزرگ، برنامه‌ها و جاه‌طلبی‌های پنهان و آشکار برخی بازیگران منطقه‌ای برای همکاری و رقابت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک و تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای استقلال و مانورهای استراتژیک بیشتر، یک محیط پیچیده‌تری را پیش روی سیاست‌گذاران ایرانی قرار می‌دهد. این پیچیدگی در ژئوپلیتیک پروژه‌های ادغام و اتصال جاه‌طلبانه متعددی که توسط قدرت‌هایی چون چین، روسیه، ایالات متحده، حتی هند و بازیگران منطقه‌ای رقیب دنبال می‌شوند، منعکس شده است. با این حال، ایران همواره این سازوکار شانگهای را جهت ترویج چندجانبه‌گرایی، ایجاد یک نظم اوراسیایی و پیوند اقتصاد کشور با بازارهای سرمایه و فن‌آوری‌های غیر غربی، مطلوب تشخیص داده است. از سوی دیگر، مدت‌هاست که اعضای شانگهای به این نتیجه رسیده‌اند که معرفی دولت‌های جدید، هم به‌عنوان اعضای دائمی، هم به‌عنوان اعضای ناظر و شرک گفتگو، نه تنها مرزهای سازمان را گسترش می‌دهد، بلکه به

^۱. Shanghai Five

انتقادات در خصوص دامنه فعالیت محدود سازمان و تقویت اثربخشی آن کمک می‌کند. در نتیجه، اعضای بنیان‌گذار شانگهای در بیست و یکمین اجلاس سران، پس از پانزده سال انتظار با روند عضویت کامل ایران موافقت نمودند.

مقاله حاضر در پاسخ به این سؤال که عضویت کامل ایران در این سازمان شانگهای در میانه تغییرات ژئوپلیتیکی در اوراسیا به چه معناست و چه نقشی می‌تواند در تکامل سازمان جهت ادغام اوراسیا ایجاد کند؛ در بخش اول، این پژوهش رهیافت سازه‌نگاری را برای مطالعه ادغام منطقه‌ای در نظر گرفته و از روش کیفی و یک افق بیناذهنی برای اندازه‌گیری روند ادغام اوراسیا توسط سازمان شانگهای و فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران استفاده می‌کند. همچنین در بخش دوم، مقاله سیر تکامل سازمان شانگهای را بررسی می‌کند و با وجود برخی تردیدها در خصوص چشم‌انداز این سازمان، تأکید می‌کند که با توجه به ظرفیت‌های موجود، نباید آن را عنوان یک سازوکار غیر مؤثر همکاری منطقه‌ای رد نمود. در بخش سوم نشان داده می‌شود که چگونه ژئوپلیتیک جدید اوراسیا در سیاست جهانی اهمیت پیدا کرده است و بر ضرورت داشتن تفکر استراتژیک در مورد چشم‌انداز اوراسیا تأکید می‌گردد. در بخش چهارم، الگوی رقابت و همکاری قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای در منطقه بررسی می‌شود که نشان‌دهنده فهم بیناذهنی آن‌ها از اهمیت اوراسیا به عنوان یک ژئوپلیتیک و هویت جدید می‌باشد. در نهایت نیز به بررسی دلایل همگرایی و واگرایی در سازمان شانگهای و منافع ایران پرداخته می‌شود و یافته‌ها نشان می‌دهد هرگونه منفعت برای عضویت ایران بیشتر بستگی به این خواهد داشت که چگونه یک درک مشترک از منافع و روحیه همکاری بین اعضا در بستر یک هویت اوراسیایی، به ایجاد شبکه‌ای از تجارت، ارتباط، اتصال و جریان‌های انرژی منجر گردد.

رهیافت نظری

در مورد چشم‌انداز توسعه سازمان شانگهای، بسیاری از ادبیات نظری در مورد منطقه‌گرایی تحت تأثیر نظریه «صلح دموکراتیک»^۱ معتقدند که همکاری منطقه‌ای فقط بین دموکراسی‌های لیبرال مشابه کشورهای اروپای غربی معنا دار است (Placek, 2012: 1). بر اساس این مفروضات، همکاری‌های منطقه‌ای نباید در مناطق بدون لیبرال دموکراسی رایج یا مؤثر باشد. این مقاله برخلاف ادعای فوق، تلاشی برای تحلیل سیر تکامل سازمان همکاری

^۱. Democratic Peace Theory

شانگهای معاصر از دیدگاه نظریه «سازهانگاری»^۱ در روابط بین‌الملل است. سازهانگاری یک نظریه ساختاری نظام بین‌الملل است که ادعاهای اصلی زیر را مطرح می‌کند: (۱) دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل نظریه سیاست بین‌المللی هستند (۲) ساختارهای کلیدی در سیستم دولت‌ها بینادهمنی هستند تا مادی (۳) هویت‌ها و منافع دولتی در بخش‌های مهمی توسط این ساختارهای اجتماعی ساخته می‌شوند، نه اینکه به‌طور برون‌زا توسط طبیعت انسانی [آن‌طور که نئورئالیسم‌ها معتقدند] یا سیاست داخلی [به نفع نئولیبرال‌ها] به سیستم داده شود (Wendt, 1994:358). در خصوص همگرایی منطقه‌ای، سازهانگاران معتقد هستند که یک بلوک منطقه‌ای زمانی شکل می‌گیرد که دولت‌ها به این درک برسند که منابع خود را به‌منظور تعقیب اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ترکیب کنند. برخی سازهانگاران معتقدند که سازمان‌های منطقه‌ای در نتیجه هویت‌های فرهنگی مشترک بین دولت‌ها پدید آمدند. اصطلاح ساخت اجتماعی مناطق بر فرآیند شکل‌دهی مناطق از طریق هویت‌ها و آداب و رسوم مشترک دلالت دارد. رویکرد سازهانگاری مفهوم ایستا از مناطق را کنار می‌گذارد و آن‌ها را به‌عنوان موجودیت‌های شناختی پویایی می‌بیند که توسط پیوندهای اقتصادی و نهادی متقابل تقویت شده‌اند. (Adler, 1997:249-277)

می‌توان استدلال کرد که رویکرد سازهانگاری مبنایی برای درک مفهوم اوراسیا‌گرایی فراهم می‌کند؛ زیرا همچون نظریه ارتباطات، عامل تعیین‌کننده در آغاز و استمرار هم‌گرایی منطقه‌ای را نوعی احساس جامعه بودن یا منطقه‌بودگی می‌داند. شکل‌گیری و تکوین حس منطقه‌بودگی نیز مستلزم انگاره‌ها، هنجارها و هویت مشترک بین اعضای منطقه است. ساختارهای معنایی، هنجارها و ارزش‌های مشترک برای تکوین هویت منطقه‌ای لازم و ضروری است زیرا به منافع جمعی آن‌ها در همگرایی منطقه‌ای شکل می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰:۱۱۸). در مورد اوراسیا نیز آنچه در عصر کنونی ملت‌های مختلف را زیر یک سقف گرد هم آورده است، یک درک مشترک از تهدیدها و منافع اعضا در بستر اشتراکات تاریخی و فرهنگی می‌باشد. برای درک اهمیت سازمان شانگهای به عنوان محرکه قوی ادغام اوراسیا، یکی از اولین عواملی که باید به آن توجه کرد، پیشینه تاریخی منطقه می‌باشد و لازم است به صورت گام به گام یک منطقه را در سیر تاریخی آن شناخت. لذا برخی معتقدند که برای درک بهتر تشکیل چنین نهاد سیاسی، باید تلاش کرد تا ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری آن را کشف کرد. همان‌طور که می‌دانیم ارتباط بین تمدن‌های

^۱. Constructivist Theory

اوراسیایی کاملاً تاریخی است. این تاریخ را می‌توان به دوران باستان بدون سوابق مکتوب ردیابی کرد. ارتباطات درگذشته نیز چند وجهی و چند سطحی بوده و شامل ارتباط کشاورزی و دامپروری و هم ارتباطات تجاری نیز می‌شده است و جاده ابریشم معروفی وجود داشته که کشورهای سازمان همکاری شانگهای را به هم وصل می‌کرده است (Qureshi and Hashemi, 2020:84). بنابراین، امروزه سازمان‌های منطقه‌ای و سازوکارهای همکاری متنوعی چون سازمان شانگهای در سراسر جهان غیر غربی وجود دارد که شامل کشورهای با مدل‌های حکمرانی متفاوت از مدل‌های موجود در اروپای غربی می‌باشند و در حالی که این نکته درست است که بیشتر سازمان‌های بین‌دولتی غیر غربی نظیر اتحادیه جنوب شرق آسیا موسوم به آ.سه.آن و سازمان همکاری شانگهای از نظر یکپارچگی و هماهنگی سیاسی همچون اتحادیه اروپا پیشرفت نکرده‌اند، اما نباید آن‌ها را به‌عنوان سازوکارهای غیر مؤثر همکاری منطقه‌ای رد نمود.

سیر تحول و پویایی منطقه‌ای سازمان شانگهای

سازمان همکاری شانگهای در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای چین توسط جمهوری قزاقستان، جمهوری خلق چین، جمهوری قرقیزستان، فدراسیون روسیه، جمهوری تاجیکستان و جمهوری ازبکستان اعلام شد. قبل از آن، همه کشورهای فوق، به جز ازبکستان، اعضای «شانگهای پنج» بودند که یک انجمن سیاسی مبتنی بر موافقتنامه شانگهای در سال ۱۹۹۶ در مورد اعتمادسازی در زمینه نظامی در منطقه مرزی و موافقتنامه مسکو در سال ۱۹۹۷ در مورد کاهش متقابل نیروهای مسلح در نواحی مرزی بود. این دو سند سازوکار اعتماد متقابل را در حوزه نظامی در منطقه مرزی تعیین کردند و به ایجاد مشارکت‌های عملی کمک کردند. پس از پیوستن ازبکستان به این سازمان در سال ۲۰۰۱، شانگهای پنج به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد. (Haas and Putten, 2007:7-8) در ابتدا هدف عمده سازمان همکاری شانگهای بر تلاش‌های متقابل درون منطقه‌ای برای مهار تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی متمرکز بود اما برخی معتقدند: «به تدریج اهداف سازمان گسترش یافته است تا طیفی از مسائل جدید را در بر گیرد و مؤلفه امنیتی سازمان همکاری شانگهای بر حمایت از نگرانی‌های اصلی رهبری سیاسی اعضای آن متمرکز است: حفظ رژیم و ثبات دولت‌های عضو.» (Aris, 2013:5). بر اساس روح شانگهای، سازمان همکاری شانگهای سیاست داخلی خود را بر اساس اصول اعتماد متقابل،

منافع متقابل، حقوق برابر، مشاوره، احترام به تنوع فرهنگ‌ها و تمایل به توسعه مشترک دنبال می‌کند و سیاست خارجی خود را مطابق با اصول عدم تعهد، عدم هدف قرار دادن کسی و شفافیت قرار داده است. منشور سازمان همکاری شانگهای در اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری شانگهای در سن پترزبورگ در ژوئن ۲۰۰۲ امضا شد و در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا شد. این سند اهداف و اصول سازمان، ساختار و حوزه‌های اصلی فعالیت آن را مشخص می‌کند. علاوه بر این، برنامه‌های سازمان همکاری شانگهای برای مبارزه با قاچاق بین‌المللی مواد مخدر به‌عنوان منبع تأمین مالی تروریسم جهانی در سال ۲۰۰۶ اعلام شد. در سال ۲۰۰۸، این سازمان فعالانه در عادی‌سازی وضعیت در افغانستان شرکت کرد. همزمان، سازمان همکاری شانگهای به فعالیت‌های اقتصادی مختلفی دست زد ها است. به طوری که در سپتامبر ۲۰۰۳، سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای برنامه ۲۰ ساله همکاری تجاری و اقتصادی چندجانبه را امضا کردند. به‌عنوان یک هدف بلندمدت، این برنامه ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در قلمرو تحت نظر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را فراهم می‌کند و در کوتاه‌مدت به دنبال احیای مجدد روند ایجاد فضای مساعد برای تجارت و سرمایه‌گذاری است. (The SCO Secretariat, 2015). با وجود بیانیه صریح سازمان مبنی بر تأمین امنیت اعضای خود در برابر تهدیدهای غیر سنتی، نظرات در مورد هدف سازمان همکاری شانگهای بسیار متفاوت است. اما برخی در غرب تمایل دارند که سازمان همکاری شانگهای باید به‌عنوان یک موازنه ضد ناتو در نظر گرفته شود (Roney, 2013:4). همچنین برخی معتقدند که سازمان شانگهای ابزار روسیه برای مقابله با نفوذ چین در آسیای مرکزی است و از همین رو مسکو همواره مدافع جدی عضویت هند در این سازمان بوده است (Jiang, 2020:1). از سوی دیگر، برخی معتقدند که سازمان همکاری شانگهای به رهبری پکن و مسکو در سایه ارتقای امنیت، خودکامگی را در جمهوری‌های آسیای مرکزی تقویت می‌کنند (Ambrosio, 2020:691).

با این حال، صرف‌نظر از این استدلال‌های فوق، سازمان همکاری شانگهای یک سازمان بین‌المللی دائمی بین دولتی است که اهداف اصلی خود را، بخشی از منشور خود که در سال ۲۰۰۲ در سن پترزبورگ به تصویب رسید، این‌گونه توصیف می‌کند: «تقویت اعتماد متقابل و همسایگی بین کشورهای عضو؛ ترویج همکاری مؤثر آن‌ها در سیاست، تجارت، اقتصاد، تحقیق و فن‌آوری و فرهنگ و همچنین در آموزش، انرژی، حمل‌ونقل، گردشگری، حفاظت از محیط‌زیست و سایر زمینه‌ها؛ تلاش مشترک برای حفظ و تضمین صلح، امنیت و ثبات در

منطقه؛ و حرکت به سوی استقرار یک نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی جدید دموکراتیک، عادلانه و منطقی.» (The Charter of SCO, 2002) بنابراین علی‌رغم تردید برخی ناظران در خصوص چشم‌انداز موفق سازمان شانگهای؛ با توجه به روح منشور سازمان، ظرفیت‌های آن به لحاظ جمعیت، منابع انسانی، حجم اقتصاد و نفوذ بین‌المللی اعضا و همچنین دستاوردهای ایجادشده؛ می‌توان نتیجه گرفت که شرایط کافی و لازم برای ادغام اوراسیا در چارچوب اهداف سازمان شانگهای مهیا می‌باشد.

ژئوپلیتیک اوراسیایی و سیاست بین‌الملل

اهمیت اوراسیا از مدت‌ها قبل و درست از زمان هارولد مک کیندر^۱، استراتژیست بریتانیایی و بینانگدار نظریه «قلب جهان»^۲ برای متفکران استراتژیک شناخته شده است. (Chowdhury and Hell Kafi, 2015:58). متعاقباً، در دوران معاصر، زیگنیو برزینسکی^۳، مشاور سابق امنیت ملی ایالات‌متحده، اوراسیا را به‌عنوان «صفحه‌ی شطرنج» توصیف کرد و گفت: «قدرتی که بر اوراسیا تسلط داشته باشد، دو تا از سه پیشرفته‌ترین مناطق مولد از نظر اقتصادی جهان را کنترل خواهد کرد» (Brzezinski, 1997:31). اما اوراسیا به لحاظ جغرافیایی، نام یک صفحه‌ای است که در زیر آنچه ما به عنوان اروپا و آسیا می‌شناسیم، قرار دارد؛ اما مشکل زمانی شروع می‌شود که نوبت به جغرافیای سیاسی اوراسیا می‌رسد که با تعریف‌های متفاوتی روبرو می‌شویم. در تعریف روسیه، اوراسیا سرزمین‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی را که در سال ۱۹۹۱ فروپاشید، در برمی‌گیرد. سپس کاربردهای قدیمی‌تری مانند «آسیای داخلی» و «آسیای مرکزی» وجود دارد که بخش‌هایی از منطقه را پوشش می‌دهد. با توجه به ارتباط عمیق میان آسیای مرکزی مسلمانان و غرب آسیا، برخی اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» را برای توصیف بخش‌هایی از این منطقه ترجیح می‌دهند (Raja Mohan, 2021:1).

در این مقاله، مراد از اوراسیا، همان اوراسیای بزرگ^۴ به عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی و با ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. اوراسیای بزرگ یک دیدگاه ژئوپلیتیکی قاره‌ای است که همکاری سیاسی و اقتصادی بین دولت‌ها و ملت‌ها از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام را ارتقا می‌دهد و در شرق، غرب، شمال و جنوب با چهار اقیانوس منجمد شمالی، اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام و هند هم‌مرز است. از نظر جغرافیایی نیز

1. Halford John Mackinder

2. Heartland Theory

3. Zbigniew Brzezinski

4. Greater Eurasia

می‌توان «اوراسیای بزرگ» را از «اوراسیای کوچک» جدا کرد (Glaser and Thomann, 2022:5). در ایران نیز همواره مفهوم اوراسیای محدود به آسیای مرکزی و قفقاز بوده است که بیشتر به لحاظ فرهنگی و حوزه تمدنی نوزم مهم تلقی شده است و عمده ادبیات رایج در مورد اوراسیا در کشور، بیشتر مبتنی بر سه گفتمان ایدئولوژی اوراسیا گرایی روسیه از جمله: ۱- اوراسیا گرایی به‌مثابه ایدئولوژی محافظه‌کارانه ملی؛ ۲- اوراسیا گرایی به‌مثابه یک ایدئولوژی امپراتورمآب و ۳- دیدگاه پوتین در مورد اتحادیه اقتصادی اوراسیا بوده است (آرباتوا، ۱۳۹۹: ۲۲). در خصوص نگاه ایران، برخی معتقدند که منافع ملی کشور نه در ارتباط با همه منطقه اوراسیا بلکه عمدتاً و در درجه اول در مناطق فرعی درون آن یعنی آسیای مرکزی، خزر و قفقاز نهفته است (کرمی، ۱۳۸۴: ۳) اما امروز در حالی که اوراسیای بزرگ در شرایط کاهش قدرت ایالات متحده، ظهور هند و چین و بازگشت روسیه به ژئوپلیتیک جهانی، بار دیگر در سیاست جهانی اهمیت پیدا کرده است، ضرورت تفکر استراتژیک در مورد چشم‌انداز ژئوپلیتیک اوراسیای بزرگ بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در این میان، از آنجاکه به لطف ابتکار کمربند راه چین، پروژه‌های «اتصال»^۱ و ادغام منطقه‌ای اکنون به عبارات رایج در امور بین‌المللی تبدیل شده است، اتخاذ یک نگاه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک به اوراسیا، اجازه نخواهد داد که مزیت‌های ایران به عنوان کانون پروژه‌های مواصلاتی منطقه‌ای به حاشیه رانده شود و مهم‌تر این که تهران از نظم امنیتی اوراسیا به‌ویژه در بحث مبارزه با تروریسم دور بماند. لذا پس از سال‌ها بی‌توجهی یا حس بی‌نیازی به اوراسیا، پذیرش ایران در سازمان شانگهای تا حد زیادی به معنی ارتقای وجهه کشور در اوراسیا و به ویژه آسیای مرکزی بود. نتایج اجلاس تاریخی بیستمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در تاریخ سپتامبر ۲۰۲۱، در دوشنبه تاجیکستان در تکامل هویت اوراسیایی این سازمان بسیار تعیین‌کننده بوده است که در دو سخنرانی‌های رهبران شانگهای منعکس گردید. آنجا که شی جین‌پینگ اعلام کرد: «ما امروز رویه‌هایی را برای پذیرش ایران به‌عنوان عضو کامل سازمان همکاری شانگهای آغاز خواهیم کرد». همین‌طور پوتین نیز اظهار داشت: «می‌خواهم یادداشت تفاهمی را که امروز بین دبیرخانه سازمان همکاری شانگهای و کمیسیون اقتصادی اوراسیا امضا شد، برجسته کنم. این به وضوح برای پیشبرد ایده روسیه برای ایجاد یک مشارکت بزرگ اوراسیا با پوشش سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا و ابتکار کمربند راه طراحی شده است.» لذا در این اجلاس، ایران در نقش برحق و

^۱. Connectivity

اصلی اوراسیایی خود تثبیت شد و همه مسیرهای ادغام اوراسیا به سمت یک پارادایم جدید ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهانی هموار شد (Escobar, 2021:1). درباره نقش سازمان شانگهای در تکامل ادغام اوراسیایی، رشید علیموف^۱ وزیر خارجه پیشین تاجیکستان معتقد است که از آنجا که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای هسته اصلی قاره اوراسیا را تشکیل می دهند، روابط و تعاملات متقابل آنها ماهیت توسعه بیشتر این قلمرو وسیع را برای سال‌های آینده مشخص خواهد کرد. با توجه به سازوکار ارتباطات ایجادشده در سازمان همکاری شانگهای، تجربه مشترک آن و توافقات موجود، این سازمان بزرگ‌ترین هم در قلمرو، هم در جمعیت و کلیدی‌ترین سازوکار در اوراسیا برای همکاری بین‌المللی است. با این حال، وی در این مسیر شش مشکل را به شرح زیر شناسایی کرده است:

«اولین چالش رقابت بین روسیه و چین در آسیای مرکزی و ابتکارات رقابتی آن‌ها در داخل اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ارتقای منافع استراتژیک ملی از یک سو و طرح «کمربند-راه»^۲ از سوی دیگر هست. چالش دوم، از دست دادن احتمالی کارایی ناشی از گسترش سازمان همکاری شانگهای است، زیرا توسعه رویکردهای مشترک برای اهداف اقتصادی منطقه‌ای به طور قابل توجهی پیچیده‌تر می شود. اضافه شدن اعضای جدید می تواند اختلافات را در مورد مسائل منطقه‌ای همکاری‌های امنیتی و اقتصادی، از جمله اشکال یا روش‌های ارائه حمایت، عمیق‌تر کند. سوم، تنش‌های عمیق بین هند و پاکستان می تواند عملکرد آن را به طور قابل توجهی مختل کند. چهارم، رقابت بین هند و چین می تواند تأثیر منفی بر تعاملات درون سازمان همکاری شانگهای داشته باشد و منجر به مسدود شدن ابتکارات و توقف مذاکرات بر سر توافقات شود. پنجم، برای حفظ تعادل در سازمان، باید منافع کشورهای کوچک‌تر سازمان همکاری شانگهای در نظر گرفته شود. ششم، عامل افغانستان به اعمال نفوذ بی ثبات کننده در منطقه ادامه می دهد و از ایجاد شرایط باثبات برای توسعه اقتصادی جلوگیری می کند. به نظر وی، مشارکت بزرگ اوراسیا در درجه اول خواستار ایجاد یک سیستم کلان منطقه‌ای از همکاری‌های سیاسی و اقتصادی پایدار و تعامل فرهنگی و تمدنی بر اساس تعمیق روابط بین بخش‌های مختلف قاره اوراسیا است. درعین حال، ظاهراً اصراری بر امضای نوعی قرارداد جمعی واحد ندارد. در عوض، در مرحله اولیه، مشارکت باید مبتنی بر ایجاد یک سیستم همکاری بین دولت‌ها و سازمان‌ها و انجمن‌های منطقه‌ای شریک، جستجو برای حوزه‌های منافع مشترک و توسعه حوزه‌های

¹. Rashid Alimov

². One Belt One Road (OBOR)

اساسی از تعهدات مشترک سودمند باشد.» (Alimov, 2018:117-118). به‌طور کلی، از آنجاکه اهمیت ژئوپلیتیک اوراسیا در محاسبات استراتژیک قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای در حال افزایش است، جایگاه سازمان همکاری شانگهای نیز که ریشه در ژئوپلیتیک اوراسیا دارد، روزبه‌روز در حال اهمیت یافتن می‌باشد. اگرچه سازمان همگام با تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای در حال تکامل است، اما تا رسیدن به نقطه ادغام اقتصادی و سیاسی اوراسیا فاصله زیادی دارد، زیرا باوجود شکل‌گیری یک درک مشترک از منافع و تهدیدها، اعضا هنوز دستور کار متفاوتی را دنبال می‌کند.

موازنه قدرت و سیاست هویت در اوراسیا

به موازات تغییر مراکز ثقل قدرت از آتلانتیک به اقیانوس هند و آرام که بازتاب آن در رونمایی از استراتژی ایندوپسفیک و احیای سازوکار گفتگوی امنیتی کواد^۱ شامل ایالات متحده؛ هند؛ استرالیا و ژاپن، در دولت ترامپ و امضای پیمان مشارکت اوکاس^۲ شامل ایالات متحده؛ بریتانیا و استرالیا، در دولت بایدن با هدف مهار چین در حوزه دریایی منعکس شده است، بسیاری از صاحب نظران معتقدند که اگر چین در خشکی یعنی پهنه اوراسیا نیز بتواند همچون حوزه اقیانوس آرام تبدیل به بازیگر مسلط گردد، به هژمون آسیا تبدیل خواهد شد (Wani, 2020:3). برخی نیز اعتقاد دارند که با توجه به ظرفیت‌هایی که در اوراسیای بزرگ وجود دارد، این احتمال دارد که یک جامعه بین‌المللی جدید غیر غربی در اوراسیا بین دولت‌هایی با نظام‌ها و فرهنگ‌های سیاسی متفاوت، اما اهداف ژئوپلیتیکی شکل بگیرد (Lukin and Novikov, 2021)؛ اما با توجه به رقابت‌های ژئوپلیتیک در حال جریان در صحنه اوراسیا که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، به نظر می‌رسد ظهور یک جامعه اوراسیایی بیشتر به این بستگی خواهد داشت که چگونه یک درک مشترک از منافع و تهدیدها و همچنین روحیه همکاری بین اعضا سازمان شکل همکاری شانگهای خواهد گرفت و این که سازمان تحت رهبری مسکو و پکن چگونه به منافع و نگرانی‌های دیگر اعضا پاسخ خواهد داد؛ بنابراین، این که آیا سازمان به یک نهاد منطقه‌ای موفق تبدیل شود، بستگی به توانایی آن در غلبه بر اختلافات دوجانبه بین اعضای آن و محاسبات ژئوپلیتیک مربوطه به اعضا دارد.

^۱. Quadrilateral Security Dialogue

^۲. AUKUS Partnership

الف) رقابت و همکاری پکن و مسکو در پهنه اوراسیا: برخی ناظران مدعی هستند که سازمان همکاری شانگهای ابزاری کلیدی در سیاست خارجی چین و روسیه در قبال جمهوری‌های آسیای مرکزی است (Laumulin, 2006: 10). در خصوص روسیه، اعتقاد بر این است که بن‌بست در روابط این کشور با غرب، محرک اصلی شکل دادن به چشم‌انداز استراتژیک اوراسیا است. به طوری که مسکو با استفاده از نهادهای جدید چون شانگهای و اتحادیه اوراسیا در حال واکنش به تلاش‌های غرب برای منزوی کردن این کشور در حوزه نفوذ خود در آسیای مرکزی است. روسیه همچنین جدا از این که تأمین‌کننده اصلی امنیت منطقه است؛ پیوندهای تمدنی، فرهنگی و قومیتی را با آسیای مرکزی حفظ کرده است. در این باره، الکساندر لوکین استراتژیست روس، معتقد است که از نگاه مسکو، سازمان همکاری شانگهای به عنوان نماد ایدئولوژیک یک جهان چندقطبی در نظر گرفته شده بود و اعلامیه‌هایی را اتخاذ کرد که بیانگر دیدگاهی غیر غربی و چندقطبی به جهان و ارزش‌های غیر غربی بود (Lukin, 2015: 3).

در همین حال، چین نیز به عنوان شریک تجاری و سرمایه‌گذاری اصلی در اوراسیا ظاهر شده است. روش کار پکن در سازمان همکاری شانگهای این بوده است که از این سازمان به عنوان سازوکاری برای ایجاد و تقویت رابطه‌های دوجانبه قوی‌تر با کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند. لذا برخی معتقدند: «چین اکنون به دنبال آن است تا با تبدیل نمودن آسیای مرکزی به نقطه محوری ابتکار «کمربند راه^۱»، از قدرت عظیم اقتصادی خود استفاده کند. این کریدور که انتظار می‌رود پکن را از طریق آسیای مرکزی به اروپا متصل کند، می‌تواند ژئوپلیتیک اوراسیا را به طور بنیادین مجدداً تنظیم کند، به طوری که پکن به عنوان بازیگر اصلی، مسکو را کنار بزند. این افزایش ردپای رو به رشد چین از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی در آسیای مرکزی، منطقه‌ای که به طور سنتی توسط روسیه به عنوان حیاط خلوت خود در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند منجر به رقابت بین این دو کشور برای نفوذ در سال‌های آینده شود.» (Sajjanhar, 2021: 3). البته در این میان روسیه با توجه به موقعیت خود در برابر با غرب، مجبور شده است تا از توانایی‌های پکن در برابر فشار ژئوپلیتیک غرب استفاده کند. این نزدیکی چین و روسیه باعث شده است که کرملین حتی در آسیای مرکزی با منافع رو به گسترش پکن کنار بیاید، به طوری که برخی از روسیه به عنوان یک «شریک کوچک»^۲ چین نام می‌برند (Unnikrishnan and

¹. Belt Road Initiative

². Junior Partner

(Purushothaman, 2015: 11). این نرمش روسیه در سکوت نسبت به افزایش کمی و کیفی در مبادلات نظامی چین با کشورهای منطقه و همسویی با سیاست‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا (به رهبری مسکو) با ابتکار کمربند راه منعکس شده است. جالب این‌که برخی تحقیقات نشان می‌دهد که نخبگان محلی در کشورهای آسیای مرکزی به ویژه قزاقستان در مقایسه با ابتکار مشارکت بزرگ اوراسیا به رهبری مسکو، نگاه مثبت‌تری به نتایج احتمالی ملموس ابتکار «کمربند راه» به رهبری پکن دارند (Shakhanova and Garlick, 2020: 49). همچنین اگرچه روسیه و چین همچنین برای مقابله با سیاست اوراسیایی آمریکا، دارای منافع مشترک هستند که در گذشته به عنوان یک عامل مخرب علیه منافع آن‌ها در حوزه نفوذشان بوده است. با این وجود، برخی معتقدند که در پشت موضع نرم روسیه، استراتژی ظریف‌تری وجود دارد که هدف آن ایجاد توازن در برابر پکن در اوراسیا می‌باشد. این سیاست ظریف در تلاش‌های کرملین برای احیای اتحادیه اوراسیا و ایجاد ارتباط با هند منعکس می‌شود که با ارائه ابتکاراتی چون توافق تجاری، ارز واحد و حرکت آزاد نیروی کار، اقتصادهای اوراسیا را به دامن مسکو سوق می‌دهد (Jiang, 2020: 1).

ب) رقابت و همکاری بازیگران منطقه‌ای: در سطح منطقه‌ای نیز برخی تحولات جدید در منطقه چون روی کار آمدن طالبان، ژئوپلیتیک اوراسیا را در شرایط جدیدی قرار داده است. در حالی که درک مشترک از تهدیدهای امنیتی غیر سنتی همچنان محور همگرایی اعضای سازمان شانگهای می‌باشد، در این وضعیت نوظهور، بازیگران منطقه‌ای مانند هند، ترکیه و پاکستان با نیت و دستور کار متفاوت، هم در سطوح دوجانبه و منطقه‌ای، مجدداً با کشورهای آسیای مرکزی وارد مشارکت‌های جدیدی شده‌اند. شایان‌ذکر است که همه این قدرت‌های منطقه‌ای شرکای سازمان همکاری شانگهای هستند. این مسئله اهمیت مرکزیت سازمان را در فرآیند ادغام منطقه‌ای را بیش از پیش برجسته‌تر می‌سازد. سیاست اوراسیایی کشورهای آسیای مرکزی: در این صفحه شطرنج ژئوپلیتیک اوراسیا، کشورهای آسیای مرکزی نیز به دنبال ایجاد توازن روابط خود با دو همسایه بزرگ روسیه و چین و به حداکثر رساندن دستاوردهای سیاسی و اقتصادی خود از هر بازیگر و در عین حال تلاش برای حفظ خودمختاری استراتژیک خود هستند. از این رو، گسترش روابط منطقه‌ای آن‌ها، بستری را برای آن‌ها فراهم می‌کند تا توانایی خود برای مانور استراتژیک در برابر قدرت‌های بزرگ افزایش دهند، سیاستی که نورسلطان نظر بایف رئیس‌جمهور پیشین قزاقستان از آن به‌عنوان

«دیپلماسی چند جانبه»^۱ یاد کرده است (Vanderhil et al., 2020:976). همچنین یکی از جدی‌ترین اهداف کشورهای آسیای مرکزی از مشارکت در سازمان شانگهای، استفاده از فرصت‌ها برای به دست آوردن منابع نظامی و سیاسی چین و روسیه برای مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم است زیرا تمامی کشورهای آسیای مرکزی در مقابل فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و قاچاق مواد مخدر به شدت آسیب‌پذیر هستند (سوری، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

- سیاست اوراسیایی هند: هند یکی از بازیگرانی منطقه‌ای است که در حال بازتعریف ژئوپلیتیک اوراسیا است که مفهومی گسترده‌تر از آسیای مرکزی دارد که مبتنی بر همگرایی با روسیه و مقابله با چین می‌باشد زیرا به دنبال ظهور چین به‌عنوان یک بازیگر مسلط در حوزه دریایی آسیا و اقیانوسیه، سیاست‌گذاران هندی نگران دست برتر پکن در بخش قاره‌ای و خشکی چون پهنه بزرگ اوراسیا هستند، به‌ویژه در زمانی که به‌زعم آن‌ها، روسیه تبدیل به یک شریک وابسته چین تبدیل شده است و به دلیل رویارویی با غرب، دیگر همچون گذشته نسبت به دخالت پکن در حوزه نفوذ خود حساس نیست. هند جهت ترسیم یک سیاست اوراسیایی موفق، یک استراتژی چندوجهی اتخاذ نموده است. از یک سو دهلی نو با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی خود، به‌ویژه عدم دسترسی مستقیم زمینی به اوراسیا، برای افزایش نفوذ منطقه‌ای خود به روسیه وابسته است، به طوری که حمایت مسکو از دهلی نو برای به دست آوردن عضویت در سازمان همکاری شانگهای بسیار مهم بود. هند همچنین در سال‌های گذشته به دنبال توسعه کریدور حمل و نقل اوراسیا با مشارکت روسیه، ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی بوده است. نخست‌وزیر مودی نیز در سفر خود به ولادی وستوک در سپتامبر ۲۰۱۹ از ایجاد یک کریدور دریایی بین چنای و ولادی وستوک خبر داد (Kapoor and Iyer, 2019:5). از سوی دیگر برخی ناظران سیاست خارجی هند معتقدند که سیاست اوراسیایی هند باید تعامل بیشتری با اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی داشته باشد. این بدان معنی است که همانند ایندوپاسفیک^۲، دهلی نو باید افکار نخبگان اروپا و غرب را برای شکل‌دهی به اوراسیای جدید مطابق آمال خود بسیج نماید. در سطح منطقه نیز هند به دنبال همکاری با ایران و عربستان است؛ زیرا موقعیت ایران را برای دسترسی هند به افغانستان و آسیای مرکزی حیاتی است و نفوذ مذهبی عربستان نیز در منطقه کاملاً تأثیرگذار است (Raja Mohan, 2021:4).

^۱. Multi-vector diplomacy

^۲. Indo-Pacific

- سیاست هویتی ترکیه: شواهد نشان می‌دهد که ترکیه بیش از دیگر رقبای منطقه‌ای خود، برای شکل‌دهی مجدد به ژئوپلیتیک اوراسیا هزینه کرده است و در این راستا، ابتکار «سازمان کشورهای ترک زبان»^۱ شامل کشورهای چوچن آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان؛ ترکیه را همراه با عضویت ناظر کشورهای چون ترکمنستان و مجارستان، راه‌اندازی نموده است که هدف اعلامی آن، تقویت همکاری امنیتی و تجاری است اما به اعتقاد بسیاری، در واقع استراتژی دولت ترکیه برای ایفای نقش در اوراسیا به عنوان یک بازیگر مسلط می‌باشد. در این باره، برخی کارشناسان می‌گویند که نقش فعال ترکیه می‌تواند به کشورهای آسیای مرکزی اجازه دهد تا اتکای خود به چین و روسیه را تعدیل کنند و مهم‌تر این‌که این گروه‌بندی جدید می‌تواند برخی نهادها و ابتکارات منطقه‌ای چون ابتکار کمربند راه، سازمان همکاری شانگهای، پیمان امنیت دسته‌جمعی و اتحادیه اوراسیا را تحت تأثیر قرار دهد (Chan, 2021).

- پاکستان و آسیای مرکزی: پاکستان نیز بعد از روی کار آمدن طالبان بسیار امیدوار است که محور اصلی کریدورهای ارتباطی و انرژی بین جنوب آسیا و آسیای مرکزی گردد. این جاه‌طلبی اسلام‌آباد در سخنرانی قمر باجووا فرمانده ارتش در جریان رویداد بین‌المللی اخیر «گفتگوی امنیتی اسلام‌آباد» بازتاب داشت، جایی که وی با تأکید بر بازنگری در جهت‌گیری استراتژیک پاکستان و تمرکز بیشتر بر ژئواکونومیک، از نقش پاکستان و آسیای مرکز به عنوان محور اتصال غرب به شرق سخن گفت (Dawn, 2021). در حال حاضر تجارت پاکستان با کشورهای آسیای مرکزی کمتر از یک میلیارد دلار است. پس از خروج ایالات متحده، اسلام‌آباد امیدوار به یک افغانستان با ثبات و افزایش همکاری‌های تجاری و اقتصادی با افغانستان و آسیای مرکزی است. کشورهای آسیای مرکزی از نظر منابع انرژی غنی هستند؛ بنابراین، این منطقه برای پاکستان جهت به دست آوردن برق ارزان قیمت بسیار مهم است. در مقابل، کشورهای آسیای مرکزی برای پنبه و محصولات کشاورزی باکیفیت خود به بازارهای پاکستان دسترسی خواهند داشت. علاوه بر این، اسلام‌آباد به دنبال افزایش ردپای امنیتی در اوراسیا هم می‌گردد که به عنوان نمونه می‌توان به توافق دفاعی پاک-تاجیک در سال ۲۰۲۱ اشاره نمود (Kumar Gupta, 2021: 1-2).

^۱. Organization of Turkic States

منافع و نقش ایران در ژئوپلیتیک اوراسیا

همان‌طور که ملاحظه شد با وجود شکل‌گیری یک درک مشترک در خصوص هویت اوراسیایی، رقابت‌های ژئوپلیتیک اعضا که در گسترش سایر تعهدات منطقه‌ای رقیب چون اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱، ابتکار کمربند راه^۲، مشارکت بزرگ اوراسیا، سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی^۳، کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا^۴ منعکس شده است، برای سازمان شانگهای چالش جدی ایجاد می‌کند. در این شرایط، ایران مجبور است علایق خود را به‌طور واضح شناسایی و ارتقا دهد تا حضور خود را در منطقه اوراسیا تقویت کند. در حال حاضر تلاش‌های پاکستان و ترکیه در اوراسیا در واقع یک مانع برای پروژه‌های مواصلاتی با محوریت ایران چون بندر چابهار و کریدور شمال جنوب محسوب می‌شود. به‌طور کلی با توجه به بازی‌های توازن قدرت؛ سیاست‌های هویتی و روند ناتمام ادغام اقتصادی در اوراسیا، می‌توان گفت که پیش از آن‌که در مورد ظرفیت‌های احتمالی شانگهای برای ایران صحبت کنیم، تهران می‌تواند با انعطاف‌پذیری استراتژیک در سیاست خارجی خود، نقش مهمی در شکل‌گیری یک آگاهی منطقه‌ای در اوراسیا ایفا نموده و با تسریع در توسعه زیرساخت‌های خود و ارائه ابتکارات اقتصادی، همچنان اهمیت خود را به‌عنوان پل ارتباطی شرق و غرب حفظ نماید و اجازه ندهد که پروژه‌های مواصلاتی با محوریت ایران، به حاشیه رانده شوند.

در حالی که برخی عمده دستاورد ایران از عضویت کامل در سازمان شانگهای را کسب پرستیژ سیاسی و رفع انزوا در بحبوحه تحریم‌ها می‌دانند (Cafiero, 2021: 1)، از نظر این پژوهش، در یک نگاه بلندمدت، سازمان شانگهای یک سازوکار مهم برای دستیابی به برخی اهداف سیاست خارجی در اختیار ایران قرار می‌دهد؛ زیرا در حال حاضر، شاهد ظهور یک درک مشترک بین ایران و دیگر اعضا در مورد هویت اوراسیایی، منافع و تهدیدهای مشترک هستیم. لذا عضویت کامل در شانگهای به احتمال زیاد به ایران کمک خواهد نمود تا آرزوی خود را برای ایفای نقش فعال در همسایگی گسترده خود و همچنین یافتن مسیرهای تجاری و فن‌آوری غیر غربی به‌ویژه در زمان تحریم‌ها برآورده سازد. استدلال ما این است که ایران با توانایی‌های خود برای اتصال این سازمان همکاری شانگهای به غرب آسیا، خاورمیانه عربی و اروپا، یک دارایی بالقوه ارزشمند برای این سازمان محسوب می‌شود و با توجه به توافقنامه مشارکت راهبردی جامع ایران که سال گذشته با چین امضا شد و موافقت‌نامه

1. The Eurasian Economic Union (EAEU)

2. Belt and Road Initiative (BRI)

3. The Collective Security Treaty Organization

4. The Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia

مشابهی که با روسیه در حال نهایی شدن می‌باشد، فرایند عضویت کامل ایران، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. با پذیرش ایران، سازمان همکاری شانگهای اکنون همه بازیگران مرتبط را برای رسیدگی به مسائل منطقه‌ای از جمله امنیت، ارتباطات و توسعه اقتصادی در اختیار دارد. هرچند تا حد زیادی آینده سازمان بستگی به توانایی آن در تقویت همگرایی و حل اختلاف بین اعضا دارد. در ادامه، نگاهی به بررسی دلایل همگرایی و واگرایی و منافع ایران در سازمان شانگهای می‌پردازیم.

الف) دلایل همگرایی: می‌توان استدلال نمود که با توجه به تصویر موقعیت استراتژیک، پتانسیل اقتصادی، منابع انرژی و تجربه و تخصص گسترده در مقابله با تروریسم، ایران می‌تواند ارزش بیشتری به برنامه‌های جاری سازمان همکاری شانگهای اضافه کند و از همه ظرفیت خود به‌عنوان یک پل ارتباطی بین شرق و دنیای اسلام استفاده کند تا چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی مشترکی برای منطقه ایجاد کند؛ بنابراین، موضوعات همکاری ایران در سازمان همکاری شانگهای بیشتر در گسترش هم‌افزایی همکاری در زمینه‌های راه‌های مواصلاتی، مبارزه با تروریسم، انرژی و تجارت ظاهر می‌شود که به شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

- مشارکت در شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی منطقه: از نظر این پژوهش، عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای گامی مهم در جهت ترسیم یک هویت اوراسیایی می‌باشد، این مساله از آنجا مهم است که می‌توان تنش‌های گذشته در روابط تهران با دوشنبه را به فقدان یک سیاست اوراسیایی منسجم دانست. در حال حاضر یک اجماع در جامعه استراتژیک ایران وجود دارد که سازمان شانگهای را یک سازوکار مناسب برای پیشبرد سیاست «نگاه به شرق»^۱ ایران می‌دانند. سیر تکامل مشارکت ایران در سازمان شانگهای از وضعیت ناظر در سال ۲۰۰۵ تا یک عضویت کامل در سال ۲۰۲۱، نشان‌دهنده اهمیت معنادار این سازمان در محاسبات استراتژیک سیاست اوراسیایی ایران است. غیبت ایران در این سازمان به معنی شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای بدون درک نقطه نظرات و نگرانی‌های تهران به‌ویژه در بحث مبارزه با تروریسم بود؛ اما با عضویت کامل، اکنون ایران می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر ذی‌نفوذ کلیدی در شکل‌دهی به تحولات اوراسیا، نقش درخور خود را ایفا نماید. با توجه به

^۱. Look East Policy

تحولات ژئوپلیتیکی و رقابت‌هایی که در جریان است، مخاطرات زیاد، مسئولیت‌ها بالاتر و در عین حال فرصت‌های بسیار زیادی برای گسترش تعامل با این سازمان نهفته است.

بنابراین همان‌طور که برخی استدلال کرده‌اند؛ ایران یک بازیگر مهم اوراسیایی است و به دلایل متفاوت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به‌خصوص پروژه‌های مواصلاتی نمی‌تواند به بازی‌های قدرت در منطقه بی‌تفاوت بماند و مهم‌تر این‌که امنیت ایران از برخی نفوذ کشورهای پیرامونی و غیر پیرامونی در منطقه تأثیر می‌پذیرد (طالبی فر و جعفری پاسکیایی، ۱۳۸۷: ۱۲۴) لذا عضویت ایران در سازمان شانگهای در عین کاهش حجم تهدیدهای منطقه‌ای، بر حجم همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های امنیتی غیر سنتی چون تروریسم، مواد مخدر، قاچاق اسلحه و جرایم سازمان‌یافته نیز می‌افزاید (طالبی فر، جعفری پاسکیایی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). با این حال، علی‌رغم اجماع در مورد تهدید تروریسم و افراط‌گرایی، تاکنون موفقیت سازمان همکاری شانگهای در مقابله با تروریسم از طریق همکاری‌های بین‌المللی تاکنون محدود بوده است؛ اگرچه ایجاد ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای در تاشکند در سال ۲۰۰۴ به سازمان این امکان را داد تا برخی دستاوردها از جمله؛ انجام تمرینات ضد تروریستی مشترک، ایجاد پایگاه داده برای عملیات ضد تروریستی، از بین بردن منابع مالی تروریست‌ها، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و کمک به استرداد افراد مرتبط با سازمان‌های تروریستی یا افراطی ایجاد نماید (Alimov, 2017).

در راستای تداوم این تلاش‌ها، ایران می‌تواند در مورد مبارزه با تروریسم می‌تواند نقش برجسته‌ای ایفا نماید؛ زیرا چارچوب سیاست ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای تحت سلطه مفهومی چین در مورد سه شرارت تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی^۱ (Li, 2019: 312) با منافع ایران سازگاری دارد. لذا رویکرد ضد تجزیه‌طلبی سازمان یک فرصت برای ایران محسوب می‌شود و سازوکار جمعی بهتری برای این چالش فراهم آورد (شفیعی، ۱۳۹۰). در مورد تروریسم، ایران با تجربیات خود را در سطح ملی و منطقه می‌تواند برای مبارزه با این تهدید با سایر کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی انرژی تازه‌ای به سازمان شانگهای در این مورد تزریق نماید. همچنین با توجه به تحولات اخیر در منطقه، مقابله با تروریسم در قلب اوراسیا در هسته اصلی منافع امنیتی ایران خواهد بود؛ زیرا خروج نیروهای غربی از افغانستان و ظهور داعش برای ایجاد «امارت خراسان»، فضای امنیتی منطقه را با چالش تازه‌ای روبرو ساخته است. به‌طوری‌که جنبش اسلامی ازبکستان^۲ در زمانی که طالبان

^۱ Three Evils: terrorism, extremism, and separatism

^۲ Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

و داعش حضور خود را در بخش‌های شمالی کشور هم‌مرز با آسیای مرکزی گسترش داده‌اند، نشانه‌هایی از احیای مجدد را نشان داده است. به‌طور مشابه، جنبش اسلامی ترکستان شرقی^۱ وابسته به القاعده که عمدتاً از اعضای جهادی اویغور تشکیل شده است، تمایل خود را برای پیوستن به طالبان افغانستان، جدا از حضور فعال در سوریه، نشان داده است (Kumar, 2021: 2). بنابراین، نظر به این که پیوندهای گروه‌های تروریستی منطقه‌ای، چشم‌انداز سرایت خشونت به قلب اوراسیا در حال افزایش است؛ آسیای مرکزی نیز به دلیل عبور مسیرهای قاچاق مواد مخدر، آسیب‌پذیر است. این امر با توجه به پیوندهای بین قاچاق مواد مخدر، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته اهمیت بیشتری می‌یابد. لازم به ذکر است که بافت اجتماعی برخی کشورهای آسیای مرکزی شاهد تغییر فزاینده‌ای به سمت اسلام سنی افراطی بوده‌اند. چندین خط گسل، از تضعیف ساختارهای دولتی اجتماعی-اقتصادی تا اختلافات بین قومی، منجر به افزایش افراط‌گرایی، به‌ویژه در میان جوانان منطقه شده که ظهور شبکه‌های اجتماعی آن را نیز تسهیل نموده است (Bekbolotov and Muggah, 2020)؛ بنابراین، از آنجاکه از بسیاری جهات، امنیت و ثبات اوراسیا با صلح در افغانستان مرتبط است، مهم است که سازمان‌های یک سیاست منسجم در مورد چگونگی برخورد با طالبان اتخاذ نماید و ایران با توجه به روابط دوجانبه خوب خود با همه اعضا و بازیگران ذی‌نفع، می‌تواند به نزدیک نمودن دیدگاه‌ها در این مورد کمک نماید.

- انتظارات مشترک در مورد چندجانبه‌گرایی بین‌المللی: بسیاری در ایران سازمان‌های را یک سازوکار مهم جهت تقویت چندجانبه‌گرایی می‌دانند، زیرا رویکرد ضد یک‌جانبه‌گرایی سازمان همکاری‌های، یک اتحاد طبیعی بین ایران و دیگر اعضای این سازمان به وجود می‌آورد (شفیعی، ۱۳۹۰: ۲۵۴). این موضوع در سخنرانی رئیس‌جمهوری ایران در بیست و یکمین اجلاس سران سازمان همکاری‌های نیز منعکس گردید: «سیاست خارجی ایران همواره مبتنی بر مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت، احترام متقابل بوده و سازمان همکاری‌های می‌تواند به نیروی محرکه چندجانبه‌گرایی جهانی تبدیل شود» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، شهریور ۱۴۰۰). هم‌زمان به نظر می‌رسد که برخی تحولات چون خروج ایالات متحده از افغانستان نیز می‌تواند بلوک روسیه، ایران و چین را تشویق کند تا همکاری خود را عمیق‌تر

¹. East Turkestan Islamic Movement (ETIM)

کنند و این همان چیزی است که شانگهای را برای آن‌ها بسیار مهم می‌سازد؛ زیرا این بلوک به‌ویژه تهران و مسکو بیش از دیگر اعضا تمایل دارند که سازوکار شانگهای برای همکاری نظامی و هدایت همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای باهدف کاهش وابستگی به بازارهای غربی و افزایش مقاومت در برابر تحریم‌ها ببینند. در این باره، برخی ناظران خارجی نیز معتقدند که روابط سرد روسیه و ایران با ایالات متحده، دو کشور را به هم نزدیک‌تر کرده است. مسکو و تهران بیشتر از دیگران تمایل دارند سازمان همکاری شانگهای را نشانه‌ای از نظم چندقطبی در حال رشد بدانند. از این رو، حمایت روسیه از عضویت ایران با تمایل مسکو برای ایجاد یک قدرت منطقه‌ای قدرتمند در سازمان مرتبط است (Sim and Grajewski, 2021:2).

- مشارکت در شکل‌گیری رژیم‌های تجاری منطقه: می‌توان استدلال کرد که یکی از مهم‌ترین آثار عضویت ایران در سازمان شانگهای حضور فعال در رژیم‌های تجاری منطقه هست. در این باره، یک مطالعه در ایران نشان می‌دهد که حذف تعرفه‌ها در بلوک شانگهای باعث خواهد شد که در مجموع، شاخص رفاه برای کشورهای عضو افزایش یابد و در میان همه سناریوهای محتمل، بیشتر باعث افزایش خلق تجارت ایران با منطقه می‌گردد، به‌ویژه در زمانی که سهم صادرات ایران به منطقه به دلیل موانع غیر تعرفه‌ای نسبتاً پایین بوده است. (مردیبا و همکاران، ۱۳۹۹:۲۳۵). همچنین ظرفیت‌های ژئواکونومیک ایران به‌ویژه در بخش حمل و نقل و انرژی با چشم‌انداز اقتصادی سازمان شانگهای هم‌سو می‌باشد (طالبی و جعفری پارسایی، ۱۳۸۷:۱۲۷). در طیف وسیع از همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی موجود که در بیانیه‌های صادر شده توسط اجلاس سران منعکس شده، دو حوزه مربوط به منافع ایران است که شامل نقش پروژه‌های مواصلاتی و یک اقتصاد دیجیتالی در حال ظهور است که با فن‌آوری بالا (از جمله فن‌آوری اطلاعات) برای سرعت بخشیدن به همکاری‌های اقتصادی پایدار هدایت می‌شود. در این باره، شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به‌مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس سازمان همکاری شانگهای، تأکید نموده که چین مایل است همراه با سایر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، روح شانگهای را پیش برده و عمیقاً در همکاری‌های بین‌المللی در زمینه اقتصاد دیجیتال مشارکت کند؛ چرا که دیجیتالی‌سازی، شبکه‌سازی و هوشمندسازی، شتاب بیشتری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند و زمینه جدیدی را در همکاری‌های اقتصاد دیجیتال ایجاد می‌کند (Stdaily, 2021). البته تحقق ایده‌های همکاری‌های اقتصاد دیجیتال منوط به رسیدن به توافق در خصوص

قانون حفاظت از داده‌ها است که ضرورت دارد سیاست‌گذاران ایرانی در چارچوب سازمان شانگهای آن را مطرح نموده و پیش ببرند.

در خصوص اتصال فیزیکی، عضویت کامل در شانگهای به ایران این امکان را می‌دهد تا حمایت از اجرای دو پیشنهاد عمده اتصال شمال به جنوب را در اولویت قرار دهد که نخست شامل کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال - جنوب^۱ است که اتحادیه اروپا را از طریق روسیه و ایران به هند متصل می‌کند و همچنین بندر و راه‌آهن چابهار-زاهدان که هند را از طریق ایران به افغانستان، آسیای میانه و روسیه پیوند می‌زند. علاوه بر این، تکمیل کریدور ایران-افغانستان-ازبکستان که شهرهایی مانند مزارشریف و هرات را مستقیماً به بندر چابهار ایران متصل می‌کند که مورد توجه چینی‌ها و هندی‌ها نیز می‌باشد، می‌تواند مانع پیشرفت پروژه‌های رقیب گردد. با توجه به این که در حال حاضر، تحریم‌های یک‌جانبه غرب علیه روسیه و ایران، مانع اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه‌ها می‌شود، اجلاس‌های گذشته تشکیل گروه کاری را برای پیشبرد پیشنهاد پرداخت پول ملی بین اعضای علاقه‌مند شانگهای به‌عنوان یک گزینه برای کاهش این مشکل تأیید کرد (Global Times, 2021). تحقق این امر بیشتر وابسته به ابتکارات و ارائه یک پیش‌نویس همکاری از سوی ایران و روسیه خواهد بود. ایران همچنین می‌تواند حمایت مالی بانک بریکس و سازمان شانگهای را از پروژه‌های زیرساختی جلب نماید. به طور کلی، ناظران و تحلیلگران بر این باورند که عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند دسترسی قابل توجه تهران به بازار بزرگ و چند صد میلیونی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای را هموار کند. در این چارچوب، ایران می‌تواند تا حدی به صادرات مواد نفتی و پتروشیمی خود به کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز امید داشته باشد و در عین حال برخی نیازهای فن‌آورانه، مالی و صنعتی خود را نیز از این منطقه تأمین کند. جدای از این‌ها، عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای، عملاً جایگاه ایران در ابتکار بزرگ دولت چین موسوم به «یک کمربند، یک راه»^۲ را تسهیل کرده و موجب تقویت پیوندهای ایران با دولت‌های آسیای مرکزی می‌شود. مسائلی که در نوع خود حامل مزایا و منافع اقتصادی قابل توجهی برای ایران هستند (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰).

- ترسیم مشارکت‌های بلندمدت انرژی: ایران به عنوان یک کشور با منابع انرژی غنی با افزایش تقاضای انرژی به ویژه در زمان احیای اقتصاد جهانی بعد از بحران کرونا، یک منبع مطمئن برای غول‌های واردکننده انرژی چون چین و هند است. عضویت در شانگهای می‌تواند به پیشبرد مذاکرات در مورد ساخت خطوط لوله متوقف‌شده مانند خط گازی لوله

^۱. The International North-South Transport Corridor (INSTC)

^۲. One Belt, One Road

صلح کمک کند که اهمیت زیادی برای نیازهای گاز طبیعی هند دارد. یکی دیگر از تحولات مربوط به مزیت های ایران، ایده روسیه برای ایجاد باشگاه انرژی برای تعمیق تعاملات بین تولیدکنندگان (روسیه، قزاقستان و ازبکستان) و مصرف کنندگان (چین، تاجیکستان، قرقیزستان، هند، پاکستان و مغولستان) می باشد (InfoSCO, 2015). در این چارچوب، هند و روسیه در حال بررسی مسیر احتمالی خط لوله انرژی از طریق شمال غربی چین هستند. اکنون ایران با شروع روند عضویت کامل در سازمان، می تواند با انگیزه بیشتری در همکاری با شرکت های روسی و هندی، پروژه هایی چون خط لوله گاز از مسیر دریا را به هند و یا اتصال کریدور اقتصادی چین-پاکستان به خط لوله گازی صلح را دنبال نماید.

- توسعه تعاملات فرهنگی: با توجه به پیوندهای تاریخی و تمدنی ایران با کشورهای اوراسیا، فرهنگ می تواند حوزه کلیدی باشد که ایران بتواند در فرآیندهای سازمان همکاری شانگهای پیش برد و در این راستا می توان پیوندهای قدیمی منطقه ای را به منظور تسهیل اقدامات اعتمادساز احیا کرد. برنامه های تبادل فرهنگی در قالب جشنواره فیلم سازمان همکاری شانگهای و نمایشگاه میراث جهانی سازمان همکاری شانگهای که ارتباطات مردم با مردم و تبادل ایده ها تشویق می کند، می تواند گسترش یابد. هنر، موسیقی و فیلم ایرانی همچنان در این منطقه طرفدار دارد و در این راستا پیشنهاد ایران برای میزبانی نمایشگاه فرهنگی تحت عنوان «میراث مشترک نوروز» گامی درست در این جهت خواهد بود. همچنین برخی معتقدند که با در نظر گرفتن تهدیدی که از ناحیه افراط گرایی دینی در این کشورهای متوجه توسعه روابط اقتصادی پایدار {کشورهای آسیای مرکزی} است، ایران یک بار دیگر می تواند رسالت تاریخی خود را در زمینه معرفی گفتمان های فرهنگی روادار و تفسیر عرفانی از اسلام که در ادبیات غنی فارسی تبلور یافته است، ایفاء نماید. لذا، اتخاذ یک راهبرد فعال فرهنگی مبتنی بر پیشینه تمدنی ایران در روند حضور و فعالیت ایران در سازمان همکاری شانگهای سودمند و ضروری به نظر می رسد (خانی، ۱۴۰۰).

ب) دلایل واگرایی: ادراکات متفاوت: در حالی که سازمان شانگهای برای برخورد با تحولات کنونی و آتی اوراسیا نیاز به یک سازوکار مشترک و منسجم دارد، به نظر می رسد که به دلیل برخی تفاوت در ادراکات، هنوز اعضا نتوانسته اند یک تصویر واقعی از مشارکت شانگهای به جهانیان ارائه دهند، به طور مثال هنوز در مورد این که شانگهای یک ابتکار ضد غربی است یا این که صرفاً یک سازوکار برای ارائه یک گفتمان غیر غربی در خصوص مسائل حکمرانی منطقه ای و جهانی می باشد، بحث های متفاوتی در جریان است. علاوه بر این برخی واگرایی ها

در بین اعضا در مورد چشم‌انداز ژئوپلیتیک، امنیتی و اقتصادی اوراسیا به شرح زیر وجود دارند که باید مورد توجه و رسیدگی جدی قرار گیرند.

- عدم اعتماد متقابل در بحبوحه رقابت‌های ژئوپلیتیک اعضا: همان‌طور که اشاره شد، سازمان شانگهای در درجه اول برای روسیه، چین و دیگر اعضای بنیان‌گذار، بستری برای مدیریت محیط امنیتی پیرامونی خود و خنثی‌سازی تهدیدهای مشترک علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی آن‌ها ناشی از «سه شرارت» بوده است، اما از زمانی که پاکستان و هند در سال ۲۰۱۷ به سازمان همکاری شانگهای پیوستند، این سازمان اکنون شامل چهار قدرت هسته‌ای با برنامه‌ها و اهداف امنیتی متفاوت است. به نظر می‌رسد که علی‌رغم منافع و همگرایی‌های مشترک، نادیده گرفتن اختلافات درون سازمان همکاری شانگهای، ساده‌انگارانه خواهد بود. این مساله با رقابت آشکار هند- پاکستان و چین و هند آغاز می‌شود. برخی معتقدند که حتی در بلوک چهارجانبه پاکستان؛ ایران؛ روسیه و چین^۱، می‌توان شکاف‌هایی مشاهده نمود. همچنین گفته می‌شود که تسلط فزاینده چین در آسیای مرکزی برای روسیه نگران‌کننده است؛ زیرا این منطقه را حوزه نفوذ خود می‌داند. این اختلافات بین کشورهای مذکور دقیقاً دلیل اهمیت شانگهای است، جایی که یک بستر چندجانبه سطح بالا برای ارتباطات و ایجاد اجماع فراهم می‌کند و قدرت‌های بزرگ می‌توانند در موضوعات بزرگ با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و شاید درباره ضمانت‌های امنیتی بحث کنند (Egugu and Atif, 2021:7).

همچنین، بعد از عضویت کامل، ایران مجبور است تعهداتی را اتخاذ کرده و در جریان فرایندهای تصمیم‌گیری، مواضع رسمی اتخاذ کند که ممکن است به رابطه دوجانبه تهران با برخی اعضا صدمه وارد کند. به طور مثال، دیدگاه تهران در مورد اختلافات مرزی هند- پاکستان و هند و چین، موضوعی است که مستقیماً به ایران مربوط نمی‌شود اما بدیهی است که موضع ایران در این موارد مدام رصد خواهد شد و ممکن است برخی اظهارنظرها در ایران باعث رنجش برخی شرکا گردد. به طور مثال، حوادث در کشمیر تحت کنترل هند، می‌تواند پای ایران را به این قضیه بکشاند، اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که قبلاً اظهارات مقامات ایران در مورد وضعیت مسلمانان کشمیر، بارها باعث آزردهی مقامات هند شده است. لذا دو شریک عمده اقتصادی ایران یعنی پکن و دهلی نو و پاکستان به عنوان همسایه نزدیک، انتظارات متفاوتی از تهران خواهند داشت. این مسئله فقط به اختلافات مرزی اعضا

¹. Pakistan, Iran, Russia, and China (PIRC)

محدود نمی‌شود. به طور مثال هند با پاکستان و چین تعریف متفاوتی از تروریسم دارند. همچنین، روایت هند نیز از مفهوم ایندوپسفیک با چشم‌انداز چین و روسیه برای آسیا-پسفیک کاملاً متفاوت است، به طوری که چینی‌ها طرح ایندوپسفیک را با هدف محاصره و اخراج چین از آسیا پسفیک می‌دانند (Global Times, 2021) و سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز بارها ایده مذکور را به دلیل ایجاد بلوک‌بندی در منطقه تقبیح کرده است (www.mid.ru, 2020). لذا سیاست‌گذاران ایرانی به ویژه در هنگام صدور بیانیه‌های پایانی اجلاس سران شانگهای، کار سختی خواهد داشت؛ زیرا مجبور خواهند بود که با اتخاذ یک سیاست ظریف و متوازن، بین مواضع گوناگون و متضاد اظهارنظر نموده و منافع خود را در بحبوحه اختلافات اعضا به پیش ببرند.

- درک متفاوت از برخی تهدیدهای امنیتی: نظر به این که هسته‌ی نگرانی‌های امنیتی ایران بیشتر به غرب آسیا یا خاورمیانه عربی مربوط می‌شود، برخی معتقدند که با توجه به روابط سطح بالای چین و روسیه با کشورهای عربی خلیج فارس سازمان همکاری شانگهای این ظرفیت را برای پیگیری دستور کار و نگرانی‌های امنیتی خاورمیانه به ایران نخواهد داد. همچنین اگرچه سازمان همکاری شانگهای، یک سازمان امنیت جمعی نیست اما رادیکالیسم سنی اسلامی را تهدیدی مشترک می‌داند که باید سرکوب شود. لذا رویکرد ایران شیعه در مورد این موضوع در سازمان همکاری شانگهای به ویژه در جوامع مسلمان آسیای مرکزی و پاکستان بدون حساسیت باقی نخواهد ماند (Eftekhari, 2021: 4).

- فقدان یک چشم انداز اقتصادی و تجاری مشترک: برخی معتقدند که شانگهای یک نهاد کارکردی منطقه‌ای در تجارت و اقتصاد نیست و با وجود همه هیاهوهای سیاسی، منطقه‌گرایی را در آسیای مرکزی تعمیق نبخشیده و در مقایسه با همتایان خود در شرق آسیا و اروپا نمی‌درخشد (Krapohl and Vasileva-Dienes, 2019: 363). در مورد تقویت همکاری‌های اقتصادی، به نظر می‌رسد که مانع اصلی این است که سازمان بیشتر بر امنیت و ثبات منطقه پهناور اوراسیا متمرکز بوده و فاقد یک چشم‌انداز روشن در مورد مباحث اقتصادی و تجاری است. مروری بر بیانیه‌های مشترک اجلاس‌های اخیر سران سازمان شانگهای نشان می‌دهد که سازمان همچنان در تدوین یک برنامه اقتصادی جامع قابل قبول برای همه اعضا با مشکل مواجه است. تعدادی از ایده‌ها، از جمله در مورد بازار مشترک انرژی

و تجارت با ارزهای ملی، مدت‌هاست که مسکوت مانده است. لذا باید بر روی راه‌های عملی کار کرد تا سازمان از نظر اقتصادی به نفع منطقه پویا شود.

نتیجه

در کمتر از دو دهه، سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک نهاد برجسته اوراسیا ظاهر شده است. تاکنون شکل‌گیری یک درک مشترک در مورد تهدیدهای امنیتی فوری به ویژه در خصوص تروریسم و افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر، پایدارترین محور انسجام و گسترش این سازمان بوده است. با این حال، هرچند تمرکز این سازمان برای ایجاد هم‌افزایی اقتصادی، شاهراه‌های مواصلاتی و انرژی گسترش یافته است، اما نتایج ملموسی تاکنون به بار نیورده است. چالش کلیدی سازمان همکاری شانگهای این است که چگونه در چشم‌انداز استراتژیک منطقه‌ای و جهانی در حال تحول که با ویژگی غیرقابل پیش‌بینی بودن همراه است، به پیش برود تا پتانسیل واقعی منطقه‌ای خود را تحقق بخشد. همچنین آینده پروژه ادغام اوراسیا به رهبری سازمان شانگهای با یک علامت سؤال بزرگ مواجه است و بیشتر بستگی به این خواهد داشت که چگونه یک درک مشترک از منافع و روحیه همکاری بین اعضا در بستر یک هویت اوراسیایی، به ایجاد شبکه‌ای از تجارت، اقتصاد، اتصال و شریان‌های انرژی منجر می‌گردد. همچنین از آنجاکه آینده سازمان همکاری شانگهای تا اندازه زیادی به تعادل در روابط روسیه و چین نیز بستگی دارد، این‌که چگونه سازمان شانگهای به نگرانی‌ها و منافع دیگر اعضا پاسخ خواهند داد، در شکل‌دهی به آینده سازمان حیاتی خواهد بود. لذا در یک نگاه بلندمدت، عضویت ایران در سازمان شانگهای یک سازوکار مهم به معنی دستیابی به برخی اهداف سیاست خارجی به‌ویژه سیاست «نگاه به شرق» و ترسیم هویت ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم اوراسیایی می‌باشد. بر اساس یک درک بینا ذهنی از هویت اوراسیایی، عضویت کامل، مشارکت فعال تهران در شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای را تسهیل می‌کند. تهران هم به نوبه خود می‌تواند نقش مهمی در تکوین و تکامل سازمان شانگهای ایفا کند؛ زیرا منافع منطقه‌ای ایران ناشی از اهداف کشور برای ایجاد یک جامعه اوراسیایی و جلوگیری از تبدیل شدن منطقه به کانون تروریسم و افراط‌گرایی؛ استفاده از ظرفیت‌های ژئواکونومیک کشور برای ایجاد پل ارتباطی بین آسیا و اروپا و همچنین به عنوان قطب راه‌های تجاری-مواصلاتی در منطقه، با اهداف سازمان شانگهای منطبق می‌باشد.

منابع و مآخذ

فارسی

- آریاتوا، نادژا (۱۳۹۹)، "سه چهره نو اوراسیاگری روسیه"، *مجله فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو*، شماره ۸۵، ص: ۱۰-۲۴.
- تحلیل شینهوا از مزایای عضویت ایران در سازمان شانگهای (۱۴۰۰)، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۲۹ شهریور، شماره روزنامه: ۵۲۷۰.
- خانی، عادل (۱۴۰۰)، "سازمان همکاری شانگهای و جایگاه فرهنگی ایران در مناسبات آسیایی"، *دیپلماسی ایرانی*، ۱۹ مهر، شناسه خبر: ۲۰۰۶۷۳۸.
- سخنرانی آیت الله رئیسی در اجلاس سران شانگهای (۱۴۰۰)، *پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری*، ۲۶ شهریور، شناسه خبر: ۱۳۱۳۰۲.
- سوری، امیر محمد (۱۳۹۰)، "کشورهای آسیای مرکزی و سازمان شانگهای"، در *سازمان همکاری شانگهای: اهداف، عملکردها و چشم اندازها*، تدوین و گردآوری: محمود واعظی و ولی کوزه گر کالجی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۰)، "جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ارتقای ظرفیت های امنیتی سازمان همکاری شانگهای"، در *سازمان همکاری شانگهای: اهداف، عملکردها و چشم اندازها*، تدوین و گردآوری: محمود واعظی و ولی کوزه گر کالجی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- طالبی فر، عباس و جعفری پاسکیابی، سیاوش (۱۳۸۷)، *سازمان همکاری شانگهای و موضوع عضویت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- کریمی، جهانگیر (۱۳۸۴)، "ایران در اوراسیا: واقعیت های موجود و سطح بازی در نظام بین المللی امروز"، *ماهنامه ایراس*، شماره ۵، ص: ۱-۵.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۴۰۰)، *اصول و مبانی روابط بین الملل ۲*، تهران: انتشارات سمت.
- مردیها سارا، آذربایجانی کریم، طیبی سیدکمیل و جعفری داود (۱۳۹۹)، "ارزیابی اثرات اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: کاربردی از مدل شبیه سازی جهانی"، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۵۵، شماره ۱، بهار ۹۹، ص: ۲۳۳-۲۶۸.

لاتین

- Adler, E (1997), "Imagined (Security) Communities: Cognitive Regions in International Relations", *Millennium*, Vol. 26, pp. 249-277. Available at: <https://ivypanda.com/essays/functionalist-and-constructivist-approaches-to-regionalism>.
- Alimov, Rshid (2018), "The Shanghai Cooperation Organisation: Its role and place in the development of Eurasia", *Journal of Eurasian Studies*, Volume 9, Issue 2, pp: 114-124.
- Alimov, Rshid (2017), "The Role of the Shanghai Cooperation Organization in Counteracting Threats to Peace and Security", *UN Chronicle*. Available at:

<https://www.un.org/en/chronicle/article/role-shanghai-cooperation-organization-counteracting-threats-peace-and-security>.

Ambrosio, Thomas (2020), "Authoritarian Regionalism in the World of International Organizations: Global Perspectives and the Eurasian Enigma", **Journal of Perspectives on Politics**, Volume 18, Issue 2, Published online by Cambridge University Press: 02 June 2020, pp. 691-692.

Aris, Stephen (2013), "Shanghai Cooperation Organization: Mapping Multilateralism in Transition", **International Peace Institute**, pp:1-14 Available at:

https://www.ipinst.org/wp-content/uploads/publications/ipi_e_pub_shanghai_cooperation.pdf.

Bekbolotov, Kumar. Muggah, Robert and Rohozinski, Rafal (2020), "Jihadist Networks Dig In on Social Media across Central Asia", **Foreign Policy**. Available at:

<https://foreignpolicy.com/2020/11/11/online-extremism-central-asia-islamic-state-terrorism/>.

Brzezinski, Zbigniew (1997). **The grand chessboard**. New York, NY: Basic Books.

Cafiero, Giorgio (2021), "SCO Membership Could Reduce Iran's Isolation", **Inside Arabia**, pp: 1-7. Available at : <https://insidearabia.com/sco-membership-could-reduce-irans-isolation/>.

Chan, Minnie (2021), "Why China, Russia 'should keep a close eye' on upgraded Turkic Council", **South China Morning Post**. Available at:

https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3157627/why-china-russia-should-keep-close-eye-upgraded-turkic-council?module=lead_hero_story&pgtype=homepage.

Chowdhury, Suban Kumar Hel Kafi, Abdullah (2015), "The Heartland theory of Sir Halford John Mackinder: justification of foreign policy of the United States and Russia in Central Asia", **Journal of Liberty and International Affairs**, Vol. 1, No. 2, pp: 58-70.

Dawn (2021), "Full text of Gen Bajwa's speech at the Islamabad Security Dialogue", March 18 .Available at: <https://www.dawn.com/news/1613207>.

Eguegu, Ovigwe and Aatif, Javairyah Kulthum (2021). "Iran's Membership Raises the SCO's Profile – and Expectations", **The Diplomat**, pp: 1-9. Available at:

<https://thediplomat.com/2021/09/irans-membership-raises-the-scoss-profile-and-expectations/>.

Eftekhari, Fardin (2021). "Why Is Iran So Keen on Joining the SCO?" **The Diplomat**, pp: 1-9. Available at: <https://thediplomat.com/2021/09/why-is-iran-so-keen-on-joining-the-sco/>.

Escobar, Pepe (2021). "Eurasia takes shape: How the SCO just flipped the world order", **The Cradle**, PP: 1-4. Available at: <https://thecradle.co/Article/analysis/2104>.

Glaser, Marina and Thomann, Pierre-Emmanuel (2022), "The concept of "Greater Eurasia": The Russian 'turn to the East' and its consequences for the European Union from the geopolitical angle of analysis", **Journal of Eurasian Studies**, Vol. 13, pp: 3–15.

Global Times (2021),"Quad mechanism turning into 'sinister gang of Indo-Pacific': editorial", September 23. Available at:

<https://www.globaltimes.cn/page/202109/1234988.shtml>.

Global Times (2021), "SCO members studying use of local currencies in settlement", September 18. Available at: <https://www.globaltimes.cn/page/202109/1234617.shtml>.

Haas, Marcel de and Putten, Frans-Paul van der (2007)," The Shanghai Cooperation Organization: Towards a full-grown security alliance?" **Netherlands Institute of International Relations Clingendael**. Available at :

https://www.clingendael.org/sites/default/files/2016-02/20071100_cscp_security_paper_3.pdf.

- Hillman, Jonathan E.(2017), “India and Pakistan Join the Shanghai Club”, **Center for Strategic and International Studies(CSIS)**,pp:1-4. Available at: <https://www.csis.org/analysis/india-and-pakistan-join-shanghai-club>.
- INFOSCO Magazine**(2015), “SCO Energy Club: structure ready for international interaction, not Shanghai Six’s elite club,” Available at: <http://infoshos.ru/en/?idn=13913>.
- Jiang, Yuan (2020), “Russia’s Strategy in Central Asia: Inviting India to Balance China”, **The Diplomat**,pp:1-7 Available at: <https://thediplomat.com/2020/01/russias-strategy-in-central-asia-inviting-india-to-balance-china>.
- Kapoor, Nivedita and Iyer Gayathri(2020), “East Meets East: An Assessment of the Proposed Chennai-Vladivostok Maritime Corridor”, ORF Occasional Paper No. 286, December 2020, **Observer Research Foundation**,pp:1-52.
- Khuram, Hafiz and Qureshi, Jamil(2020), “ Emergence of Shanghai Cooperation Organization (SCO) and its Relevance in 21stCentury: A Constructivist Perspective”, **Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences**, Volume 8, Number 2, pp: 83-92. Available at <https://journals.internationalrasd.org/index.php/pjhss/article/view/181/146>.
- Krapohl , Sebastian and Vasileva-Dienes, Alexandra(2019), “The region that isn’t: China, Russia and the failure of regional integration in Central Asia”. **Asia Europe Journal**, pp:347-366. Available at: <https://link.springer.com/content/pdf/10.1007/s10308-019-00548-0.pdf>.
- Kumar, Deepak (2021), “Central Asia’s Afghan Predicament”, **Manohar Parrikar Institute for Defence Studies and Analyses**. Available at: <https://www.idsa.in/issuebrief/central-asia-afghan-predicament-dkumar-080921>.
- Kumar Gupta, Pravesh (2021), “Why are Central Asian Republics wooing Pakistan”, **Vivekananda International Foundation**,pp:1-9. Available at: <https://www.vifindia.org/article/2021/july/15/why-are-central-asian-republics-wooing-pakistan>.
- Laumulin, Murat(2006), “The Shanghai Cooperation Organization as "Geopolitical Bluff?" A View from Astana”, **Institut Français des Relations Internationales(IFRI)**. Available at: <https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/laumullinenglish.pdf>.
- Li, Enshen (2019), “Fighting the "Three Evils": A Structural Analysis of Counter-Terrorism Legal Architecture in China”, **Emory international law review**, Vol.33, Issue3, 311.
- Lukin, Alexander and Novikov, Dimitry (2021), “Sino-Russian rapprochement and Greater Eurasia: From geopolitical pole to international society?”, **Journal of Eurasian Studies**, 2021, Vol. 12(1) 28–45. Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/18793665211000057>.
- Lukin, Alexander (2015), “The SCO today: achievements and challenges”, **Russia in Global Affairs**, pp: 1-11. Available at: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/shanghai-cooperation-organization-looking-for-a-new-role/>.
- Placek, Kevin (2012), “The Democratic Peace Theory”, **E- International Relation**. Available at <https://www.e-ir.info/2012/02/18/the-democratic-peace-theory/>.
- Raja Mohan, Chilamkuri (2021), “India needs a new, integrated approach to Eurasia”, **Indian Express**,pp:1-4. Available at: <https://indianexpress.com/article/opinion/columns/india-needs-a-new-integrated-approach-to-eurasia-7613805/>.
- Roney, Tyler (2013), “The Shanghai Cooperation Organization: China’s NATO?” **The Diplomat**,pp:1-4. Available at: <https://thediplomat.com/2013/09/the-shanghai-cooperation-organization-chinas-nato-2/>.
- Sajjanhar, Ashok (2021), “China-Central Asia relations: An uneasy co-existence”. **Observer Research Foundation (ORF)**, pp:1-12. Available at:

<https://www.orfonline.org/expert-speak/china-central-asia-relations-an-uneasy-co-existence/>.

Science and Technology Daily (2021), "China-SCO Forum and SCE 2021 Focus on the Digital Economy". Available at: http://www.stdaily.com/English/ChinaNews/2021-09/02/content_1217030.shtml.

Shakhanova, Gaziza and Garlick, Jeremy (2020), "The Belt and Road Initiative and the Eurasian Economic Union: Exploring "Greater Eurasian Partnership", **Journal of Current Chinese Affairs**, Vol. 49(1) 33–57. Available at :

<https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/1868102620911666>.

Sim, Li-Chen and Grajewski, Nicole. (2021), "what does Russia get out of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization?" **Atlantic Council**, pp: 1-5. Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/what-does-russia-get-out-of-irans-membership-in-the-shanghai-cooperation-organization/>.

The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (2020) "Foreign Minister Sergey Lavrov's remarks and answers to questions at a plenary session of the Raisina Dialogue international conference, New Delhi", January 15. Available at: https://www.mid.ru/en/foreign_policy/news/-/asset_publisher/cKNonkJE02Bw/content/id/3994885.

The SCO Secretariat(2015),"What is the SCO?", Available at: <http://eng.sectSCO.org/docs/about/faq.html>.

Unnikrishnan, Nandan and Purushothaman, Uma (2015), "Trends in Russia-China Relations: Implications for India", **Observer Research Foundation**. Available at: https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2015/07/ORF_Monograph_Nandan_Unnikrishnan.pdf.

Vanderhill, Rachel, Joireman Sandra F and Tulepbayeva, Roza(2020), "Between the bear and the dragon: multivectorism in Kazakhstan as a model strategy for secondary powers", **International Affairs**, Volume 96, Issue 4, July 2020, Pages 975–993, <https://doi.org/10.1093/ia/iiaa061>.

Wani, Ayjaz (2020)," India and China in Central Asia: Understanding the new rivalry in the heart of Eurasia", **The Observer Research Foundation's Occasional Papers**. Available at: <https://www.orfonline.org/research/india-and-china-in-central-asia-understanding-the-new-rivalry-in-the-heart-of-eurasia-61473/> .

Wendt, Alexander (1994) "Collective Identity Formation and the International State," **American Political Science Review**, Vol. 88, No. 2 (Jun, 1994), pp. 384-396.